

سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	صفحات	۱-۱۵
------------	------	--------------	-------	------

بررسی تطبیقی جایگاه قاعده تقلیل خسارت در حقوق قراردادهای ایران و افغانستان (با نگاهی به فقه حنفی و اسناد بین الملل)

آقای عصمت الله همدی، آقای دکتر محمد غلامعلی زاده و آقای دکتر صالح یمرلی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، جامعه المصطفی العالمیه، واحد گلستان، ایران

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m_gholamalizadeh@pnu.ac.ir

استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی و علوم ورزشی، دانشگاه گنبد کاووس، ایران

چکیده

تقلیل خسارت از قواعد بنیادین حقوق قراردادها با خاستگاه کامن لا، زیان دیده را به اقدام معقول و متعارف برای جلوگیری از توسعه خسارات ناشی از نقض تعهد ملزم می سازد. با وجود پذیرش صریح در اسناد بین المللی، جایگاه آن در نظام های تابع حقوق نوشته نظیر ایران و افغانستان نیازمند واکاوی است. در حقوق ایران قاعده فاقد نص عام بوده و آثارش از مبانی قانونی و فقهی مختلف استنباط شده است؛ در افغانستان، قانون مدنی زمینه ای استنباط قاعده راه فراهم ساخته؛ اما قانون قراردادهای تجاری بدان تصریح کرده است. ظرفیت سنجی قاعده در فقه حنفی زاویه دیگر مسئله است. هدف پژوهش، بررسی تطبیقی جایگاه قاعده در دو کشور و ارزیابی هم سویی آن با فقه حنفی و اسناد بین المللی است. به نظر می رسد حقوق ایران با رویکرد استنباطی - قضایی با قاعده تعامل داشته، در حالی که افغانستان رویکرد استنباطی - منصوص را برگزیده است. پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی تطبیقی و داده های کتابخانه ای، قوانین و آراء قضایی سامان یافته است. یافته ها نشان می دهد در ایران آثار قاعده از قوانین مختلف نظیر (ماده ۴ ق.م.م، ماده ۲۲۰ ق.م، ماده ۱۵ ق. بیمه و مواد ۳۸، ۷۱، ۱۱۲ ل.ت. ۱۴۰۳) و برخی آراء قضایی استنباط شده؛ در افغانستان از ماده ۷۸۲ ق.م قابل استنباط است، ولی ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجاری (۱۳۹۳) صراحتاً قاعده را پذیرفته و مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ مصادیق عملی آن (معاملات جایگزین) را ترسیم کرده اند. در فقه حنفی، قواعد «الضرر الأشد» و «درء المفسد» قابلیت توجیه قاعده را دارند و قانونگذار افغانستان با تأکید بر جبران پذیری منافع (ماده ۷۳۴ ق.م و ماده ۷۶ قانون تجاری)، محدودیت متصور از «عدم مالیت منافع» در فقه حنفی را برطرف ساخته است. این تمایز ریشه در تأثیر پذیری ایران از حقوق فرانسه و انعطاف افغانستان در تعامل با اسناد بین المللی در حوزه خاص، همراه با حفظ رویکرد استنباطی در حوزه عام دارد که می تواند الگویی برای شفاف سازی و توسعه حقوق قراردادها باشد.

واژگان کلیدی: تقلیل خسارت، حقوق قراردادها، ایران، افغانستان، فقه حنفی، اسناد بین المللی

طبقه بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

A comparative study of the position of the rule of damage reduction in Iran and Afghanistan contract law (with a look at Hanafi jurisprudence and international documents)

Abstract

The reduction of damage from the fundamental rules of contract rights with the origin of common law obliges the injured party to take reasonable and conventional measures to prevent the development of damages caused by breach of obligation. Despite its explicit acceptance in international documents, its position in written law systems such as Iran and Afghanistan needs to be analyzed. In Iranian law, the rule does not have a general text and its works are derived from different legal and jurisprudential bases; In Afghanistan, the civil law has provided the basis for inferring the rule of law; But the law of commercial contracts has specified it. Measuring the capacity of benefit in Hanafi jurisprudence is another angle of the problem. The aim of the research is to compare the position of the rule in two countries and evaluate its alignment with Hanafi jurisprudence and international documents. It seems that Iranian law has interacted with the inferential-judicial approach with the rule, while Afghanistan has chosen the inferential-textual approach. The research is organized with comparative descriptive-analytical method and library data, laws and judicial opinions. The findings show that in Iran, the effects of the rule have been inferred from various laws such as (Article ٤ of the Civil Code, Article ٢٢٠ of the Civil Code, Article ١٥ of the Insurance Code and Articles ٣٨, ٧١, ١١٢ of the Law of ١٤٠٣) and some judicial opinions; In Afghanistan, it can be deduced from Article ٧٨٢ BC, but Article ٨٠ of the Commercial Contracts Law (٢٠١٣) explicitly accepts the rule and Articles ١١٧, ١١٨ and ١٢٣ outline its practical examples (alternative transactions). In Hanafi jurisprudence, the rules of "al-Zarr al-Ashad" and "Dar al-Mufasad" have the ability to justify the rule, and the Afghan legislator has removed the perceived limitation of "non-taxation of profits" in Hanafi jurisprudence by emphasizing the compensability of benefits (Article ٧٣٤ BC and Article ٧٦ of the Commercial Law). This distinction is rooted in Iran's influence of French law and Afghanistan's flexibility in interacting with international documents in the specific field, along with maintaining an inferential approach in the general field, which can be a model for clarifying and developing contract law.

Keywords: Damage reduction, Rights of contracts, Iran, Afghanistan, Hanafi jurisprudence, International documents

متن مقاله

این قاعده ارائه می‌دهند؟

فرضیه پژوهش آن است که قاعده تقلیل خسارت در حقوق ایران قاعده‌ای استنباطی-قضایی است که از مواد پراکنده و رویه محدود قضایی استنباط می‌شود و فاقد نص عام است؛ در حقوق افغانستان، قانون مدنی (۱۳۵۵) به صورت عام این قاعده را تصریح نکرده، اما ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال (۱۳۹۳) آن را به صورت صریح و الزامی پذیرفته و مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ همان قانون، مصادیق عملی آن را در قالب معامله جایگزین ترسیم نموده‌اند؛ فقه حنفی با اصولی مندرج در مجله الاحکام العدلیه، به‌ویژه مواد ۲۷ و ۳۰، ظرفیت اعتباربخشی این قاعده را فراهم می‌آورد.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. منبع‌شناسی پژوهش شامل: (الف) متون قانونی ایران (قانون مدنی ۱۳۰۷، قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، قانون بیمه ۱۳۱۶، قانون تجارت ۱۳۲۳، لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ و قانون دریایی ایران ۱۳۴۳)؛ (ب) متون قانونی افغانستان (قانون مدنی ۱۳۵۵، قانون تجارت ۱۳۳۴ و قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال ۱۳۹۳)؛ (ج) مجله الاحکام العدلیه به عنوان متن اصلی فقه حنفی مدون؛ (د) اسناد بین‌المللی (کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ۱۹۸۰؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا، ۲۰۱۶؛ اصول حقوق قراردادهای اروپا، ۱۹۹۹)؛ (ه) منابع فقه حنفی و دکترین حقوقی؛ (و) آرای قضایی ایران در خصوص تقلیل خسارت.

تحقیقات پیشین عمدتاً به گونه‌ای مستقل به حقوق ایران یا افغانستان یا تطبیق ایران با اسناد بین‌المللی پرداخته‌اند. در حوزه حقوق ایران، شعاریان و مولایی (۱۳۹۰) مبانی قاعده تقلیل خسارت را در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بررسی کرده‌اند. شاهنوش فروشانی و عبدالصالح (۱۳۹۵) به تکلیف زیان‌دیده در کاهش خسارت پرداخته‌اند. حکیمیان و همکاران (۱۴۰۲) نقش تقصیر زیان‌دیده در جبران خسارت را واکاوی کرده‌اند. در حوزه حقوق افغانستان، رضایی (۲۰۲۳) معامله جایگزین را در قوانین افغانستان، ایران و CISG بررسی کرده است. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه گزاره نظری یکپارچه درباره تمایز مسیر تقنینی پیشین و نوین دو

یکی از چالش‌های اساسی در حقوق قراردادهای، برقراری تعادل میان حق زیان‌دیده به جبران کامل خسارت و تکلیف وی در پیشگیری از افزایش آن است. قاعده تقلیل خسارت که ریشه در حقوق کامن‌لا دارد و در اسناد بین‌المللی متعدد به رسمیت شناخته شده، ایجاب می‌کند که زیان‌دیده نمی‌تواند نظاره‌گر افزایش خسارت باشد و باید اقدامات معقول و متعارف برای کاهش آن به عمل آورد (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱). گسترش روزافزون روابط تجاری بین‌المللی و پیچیدگی فزاینده قراردادهای مدرن، ضرورت پذیرش این قاعده را بیش‌ازپیش نمایان ساخته است. در نبود این قاعده، زیان‌دیده فاقد انگیزه برای انجام اقدامات پیشگیرانه است و این امر با معیارهای عدالت و حسن‌نیت سازگار نیست. مسئله محوری پژوهش حاضر، بررسی چگونگی مواجهه دو نظام حقوقی ایران و افغانستان با این قاعده است. در حقوق ایران، قانون‌گذار هیچ حکم صریح و عامی در این خصوص مقرر نکرده است و این قاعده عمدتاً از مسیر استنباط از مواد پراکنده و رویه قضایی قابل‌احراز است. در مقابل، حقوق افغانستان با تصویب قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال (۱۳۹۳)، به‌ویژه در مواد ۸۰، ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ آن، گامی جسورانه در جهت منصوص‌سازی این قاعده برداشته است.

پرسش اساسی این است که جایگاه قاعده تقلیل خسارت در حقوق قراردادهای ایران و افغانستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی و فقه حنفی چیست و دو نظام حقوقی تا چه حد در پذیرش این قاعده با یکدیگر و با اسناد بین‌المللی هم‌سو هستند؟ پرسش‌های فرعی پژوهش عبارت‌اند از: (۱) آیا در حقوق موضوعه ایران و افغانستان، حکم صریح و عامی در خصوص تکلیف زیان‌دیده به تقلیل خسارت وجود دارد؟ (۲) آثار و لوازم قاعده تقلیل خسارت از طریق کدام مواد قانونی و قواعد فقهی در هر دو نظام قابل‌استنباط است و مصادیق عملی آن کدام‌اند؟ (۳) فقه حنفی تا چه حد ظرفیت مشروعیت‌بخشی این قاعده را دارد؟ (۴) اسناد بین‌المللی (CISG، UNIDROIT، PECL)، چه الگویی برای پذیرش یا عدم‌پذیرش

محدود می‌کند، درحالی‌که تقلیل خسارت بر تحدید چنین قابلیت‌ی پس از وقوع نقض دلالت دارد.

سوم، «تخفیف خسارت» که در اصل ناشی از وضعیت خاص ناقض است و موجبات تخفیف در میزان خسارات را فراهم می‌سازد و دادگاه به رویت آن اختیار دارد که در اندازه خسارتی که طرف ناقض ملزم به جبران آن است تخفیف ببارد، درحالی‌که تقلیل خسارت ناظر به رابطه سببیت بوده و تأکید بر وظیفه زیان‌دیده به‌مواجهه با خسارت و جلوگیری از توسعه آن دارد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۵۷-۵۸).

۳- بررسی جایگاه قاعده تقلیل خسارت در اسناد بین‌المللی
اسناد بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه حقوق تجارت و قراردادهای، نقش برجسته‌ای در شناسایی و تدوین قاعده تقلیل خسارت ایفا کرده‌اند. این اسناد، با تکیه بر منطق اقتصادی و انصاف، قاعده یادشده را نه صرفاً به‌عنوان یک استثنا بر اصل جبران کامل، بلکه به‌عنوان یک اصل مستقل و کارآمد در مدیریت خسارات قراردادی به‌کار گرفته‌اند. در ادامه، مهم‌ترین این اسناد و رویکرد آنها بررسی می‌شود.

۳-۱ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰، CISG

تأمل در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین (CISG) به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق تجارت، نشان می‌دهد که در سه ماده خود به قاعده تقلیل خسارت و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته است: ماده ۷۴ اصل جبران کامل خسارت را مقرر می‌دارد و خسارت را به خسارات قابل‌پیش‌بینی در زمان انعقاد قرارداد محدود می‌کند. در کنار این، ماده ۷۵ سازوکار معامله جایگزین را پیش‌بینی می‌کند و به زیان‌دیده اجازه می‌دهد پس از فسخ قرارداد، معامله جایگزین منعقد نموده و مابه‌التفاوت قیمت را به‌عنوان خسارت مطالبه کند. اما ماده ۷۷ صریحاً قاعده تقلیل خسارت را مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند، مکلف است باتوجه‌به اوضاع و احوال، اقدام‌های متعارفی برای مقابله با خسارت، از جمله عدم‌النفع ناشی از نقض قرارداد، معمول دارد» (آنسیترال، ۱۹۸۰، ماده ۷۷). بررسی ساختار این ماده نشان می‌دهد که الزام آن مطلق است و در صورت عدم انجام اقدامات متعارف توسط

نظام، باتکیه بر فقه حنفی و اسناد بین‌المللی، و نیز تبیین ریشه این تمایز در تأثیرپذیری تاریخی از نظام‌های حقوقی فرانسه و کامن‌لا است.

۲- چارچوب مفهومی - ماهیت و حدود قاعده تقلیل خسارت ۱-۲ تعریف، ماهیت و مبانی نظری

قاعده تقلیل خسارت (Duty to Mitigate Damages) عبارت از قاعده‌ای است که زیان‌دیده را موظف می‌سازد پس از تحقق نقض قرارداد، باتوجه‌به اوضاع و احوال، اقدامات متعارفی برای مقابله با خسارت، از جمله عدم‌النفع ناشی از نقض قرارداد، انجام دهد تا از افزایش و گسترش خسارت جلوگیری نماید (کریم، ۲۰۲۵، ص ۹۸). در صورت عدم انجام این اقدامات، ناقض قرارداد مسئول جبران آن قسمت از خسارت است که با اقدامات معقول و متعارف زیان‌دیده قابل‌تقلیل بوده است (آنسیترال، ۱۹۸۰، ماده ۷۷؛ اونیدروا، ۲۰۱۶، ماده ۷.۴.۸).

ماهیت این قاعده نشان می‌دهد که یک تکلیف رفتاری پسا نقض است، نه تعهدی مستقل به نفع زیان‌زننده. این قاعده به‌عنوان محدودیتی بر اصل جبران کامل خسارت عمل نموده و مبتنی بر سه منطق اساسی است: نخست، منطق کارایی اقتصادی که از هدررفت منابع اجتماعی جلوگیری می‌کند (زهر، ۲۰۰۹، ص ۴۶)؛ دوم، حسن‌نیت و انصاف که ایجاب می‌کند زیان‌دیده رفتار منصفانه‌ای در قبال ناقض قرارداد داشته باشد (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۱)؛ و سوم، منطق سببیت که بر اساس آن، بخش قابل‌پیشگیری از خسارت، ناشی از فعل یا ترک فعل خود زیان‌دیده است، نه نقض قرارداد.

۲-۲ تمایز قاعده تقلیل خسارت از مفاهیم مشابه

مرز مفهوم قاعده تقلیل خسارت باید از سه مفهوم نزدیک به آن تفکیک شود:

نخست، تقصیر مشترک (contributory negligence) که بر تقصیر زیان‌دیده در ایجاد خسارت متمرکز است، درحالی‌که تقلیل خسارت بر تکلیف وی پس از تحقق نقض تأکید دارد.

دوم، قاعده قابلیت پیش‌بینی (foreseeability) که قابلیت مطالبه جبران خسارت را به آنچه در زمان انعقاد قرارداد قابل‌پیش‌بینی بوده

در قبال انتظار کاهش خسارت، از سوی زیان‌دیده، هزینه‌های معقول وی را که در راستای کاهش خسارت متحمل شده قابل جبران دانسته است (کمیسیون حقوق قراردادهای اروپا، ۲۰۰۲، ماده ۵:۵۰۹).

این میزان از هم‌سویی نشان می‌دهد که قاعده تقلیل خسارت، دیگر یک قاعده مختص نظام کامن‌لا نیست، بلکه به یک اصل حقوقی فراملی (Transnational Legal Principle) در حوزه قراردادهای تبدیل شده است که بر پایه منطق اقتصادی (جلوگیری از اتلاف منابع) و انصاف (توزیع عادلانه بار خسارت) استوار است.

به همین دلیل PECL با تکرار ساختار مشابه CISG و UNIDROIT، و با تأکید بر جبران هزینه‌های معقول، گامی مهم در تحکیم جایگاه قاعده در خانواده حقوق نوشته اروپایی برداشته و نشان داده که این قاعده با اصول کلی عدالت قراردادی سازگار است.

۳-۴ وضعیت قاعده در حقوق داخلی برخی کشورهای تابع رومن-ژرمن و کامن‌لا

الگوی نخست، پذیرش صریح (کامن‌لا، UNIDROIT، CISG، و PECL) که در برخی نظام‌های حقوقی داخلی تابع حقوق نوشته نظیر ماده ۴۴ قانون تعهدات سوئیس، ماده ۱۲۲۷-۱۱ قانون مدنی ایتالیا، و ماده ۱۰۱:۶ قانون مدنی هلند نیز صراحتاً بازتاب یافته است (آل کعبی، ۲۰۲۳، ص ۱۹۹).

الگوی دوم، رویکرد عمل‌گرایانه که به‌جای بیان یک قاعده کلی و انتزاعی، سازوکارهای مشخص و کاربردی برای قاعده کاهش خسارت در نظر دارد؛ مانند باز فروش کالا (ماده ۷۰۶-۲) و معامله جایگزین که در ماده ۷۱۲-۲ قانون متحدالشکل تجاری آمریکا (UCC) انعکاس یافته است.

الگوی سوم، عدم پذیرش صریح یا ادغام در تقصیر مشترک (فرانسه، آلمان). در حقوق آلمان، بند ۲ ماده ۲۵۴ قانون مدنی آلمان (BGB) قاعده‌ای مشابه را در قالب تقصیر مشترک زیان‌دیده پذیرفته است. در حقوق فرانسه (منبع الهام مستقیم و غیرمستقیم تدوین قانون مدنی دو کشور ایران و افغانستان)، این قاعده مسیری پرنوسان را از انکار مطلق تا پذیرش عملی و ضمنی پیموده است. رویه قضایی فرانسه در ابتدا، با استناد به مغایرت

زیان‌دیده، خسارت قابل جبران به میزان قابل تقلیل کاهش می‌یابد.

کنوانسیون وین با ترکیب سه ماده (۷۴، ۷۵ و ۷۷)، نه تنها قاعده تقلیل را به‌صورت مستقل وضع کرده، بلکه سازوکارهای عملی (معامله جایگزین) و ضمانت‌اجرای روشن (کاهش خسارت) را نیز ترسیم نموده است. این رویکرد، الگویی کامل و اثرگذار برای نظام‌های داخلی و سایر اسناد فراملی بوده است.

۳-۲ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT Principles)
اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT Principles) که نخستین بار در سال ۱۹۹۴ تدوین و در سال ۲۰۱۶ در نسخه چهارم منتشر شد، در ماده ۷.۴.۸ قاعده تقلیل خسارت را به‌صورت صریح پذیرفته است: «طرف مسئول عدم اجرای تعهد، مسئول آن قسمت از صدمه که با اقدام‌های معقول و متعارف طرف زیان‌دیده ممکن بود تقلیل داده شود، نیست» (اونیدروا، ۲۰۱۶، ماده ۷.۴.۸). مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که این ماده با CISG هم‌خوانی کامل دارد و تکلیف زیان‌دیده به اتخاذ اقدامات معقول و ضمانت اجرای آن را مقرر کرده و در مقام حمایت از اقدامات متعارف زیان‌دیده، حق مطالبه هزینه کاهش خسارت را نیز به رسمیت شناخته است.

UNIDROIT با صراحت بیشتر و ارائه‌ی ضمانت‌اجرای منفی (عدم مسئولیت ناقض نسبت به خسارت قابل تقلیل)، قاعده را به سطح یک اصل عام فراملی ارتقا داده و با تصریح به جبران هزینه‌های معقول زیان‌دیده، جنبه‌ی انصافی آن را تقویت نموده است.

۳-۳ اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL)

قاعده تکلیف زیان‌دیده به کاهش یا تقلیل خسارت که به‌تدریج در نظام‌های رومن-ژرمن جایگاه خود را یافته است، در PECL به‌عنوان یک اصل مسلم و بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق جبران خسارت، در ماده ۹:۵۰۵ مورد پذیرش واقع شده است. هسته اصلی آن تأکید بر «اقدامات معقول» زیان‌دیده، تصریح به ضمانت اجرا («طرف ناقض، مسئول آن بخش از خسارت نیست...») و در نهایت ارائه‌ی بُعد تکمیلی و منصفانه قاعده («طرف زیان‌دیده مستحق دریافت هرگونه هزینه‌ای است...») که

به کاهش خسارت را به صراحت مقرر نماید. این خلأ تقنینی، موضوعی است که ادبیات حقوقی ایران به طور گسترده به آن پرداخته است. چنان که برخی از نویسندگان تأیید می کنند که «در حقوق ایران حکم صریحی در مورد تکلیف زیان دیده در تقلیل خسارت وجود ندارد» (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲) و «نمونه های یادشده، صرفاً به منظور پرکردن خلأهای موجود در این زمینه ارائه شده و حقوق ایران نیازمند وضع قاعده ای روشن و بدون ابهام است» (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

باین حال، بررسی مواد قانونی پراکنده در قوانین مختلف امکان استنباط تکلیف زیان دیده به انجام اقدامات متعارف برای پیشگیری یا کاهش ضرر را فراهم می آورد.

۴-۲ بررسی مقررات پراکنده در قوانین موضوعه ایران

۴-۲-۱ قانون مدنی (۱۳۰۷)

برخی نویسندگان با اذعان به این که در قانون مدنی، نص خاصی در خصوص قاعده مقابله با خسارات وجود ندارد، لیکن در مواردی، قانون مدنی، حکم امور را به عرف ارجاع می دهد و امور عرفی را بخشی از قرارداد محسوب می کند. اگر قائل شویم که عرف تجارت، به ویژه در صحنه های تجاری بین المللی، جزئی از قرارداد است و طرفین هنگام قرارداد، به طور ضمنی در نظر داشته اند که خواهان در موقع نقض قرارداد از سوی دیگری، با خسارات مقابله کند، قاعده مقابله با خسارات امری بدیهی در قانون مدنی جلوه می کند. ماده ۲۲۰ قانون مدنی بیان می دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است، ملزم می نماید، بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود، ملزم هستند» (محقق داماد و جعفری خسروآبادی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۰).

مطابق ماده ۲۶۳ قانون مدنی، هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد، حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت. بدین ترتیب، هرگاه شخصی از فضولی بودن طرف

قاعده کاهش خسارت با اصل جبران کامل خسارت (réparation intégrale) و نیز لزوم تحمیل پیامدهای نقض بر متعهد خاطی (نه زیان دیده)، با این قاعده مخالفت ورزید. دیوان عالی فرانسه (Cour de cassation) در دو رأی بنیادین مورخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ صراحتاً اعلام داشت که عامل حادثه موظف است تمام پیامدهای زیان بار آن را جبران کند؛ زیان دیده ملزم نیست که به نفع عامل زیان، خسارت خود را محدود سازد (la victime n'est pas tenue de limiter son préjudice dans l'intérêt du responsable) (دیوان تمیز فرانسه، ۲۰۰۳ الف؛ دیوان تمیز فرانسه، ۲۰۰۳ ب). متعاقباً، قضات فرانسوی به جای پذیرش مستقل قاعده تقلیل، از ابزارهای حقوقی همچون رابطه سببیت (lien de causalité) و تقصیر زیان دیده (faute de la victime) بهره بردند (آل کعبی، ۲۰۲۳، ص ۲۰۵).

تنوع الگوهای فوق نشان می دهد که قاعده تقلیل خسارت، با وجود پذیرش گسترده در اسناد بین المللی، در نظام های داخلی با موانع تاریخی و دگماتیک (مانند اصل جبران کامل در فرانسه) مواجه است. با این حال، گرایش غالب به سمت پذیرش حداقلی یا ضمنی آن است که حاکی از ضرورت کارکردی این قاعده در مدیریت بهینه ی خسارات قراردادی می باشد.

همچنان باید گفت که در کل اسناد بین المللی (CISG، UNIDROIT، PECL)، قاعده ی تقلیل خسارت را به عنوان یک اصل فراموش ناپذیر و هم سو با منطق اقتصادی و انصاف تثبیت کرده اند، هرچند نظام های داخلی همچنان در تعامل با آن از الگوهای متفاوت (از پذیرش صریح تا ادغام در تقصیر مشترک) پیروی می کنند. این هم گرایی در سطح فراملی، بستری مناسب برای اصلاح و توسعه حقوق قراردادهای داخلی، به ویژه در نظام های نوشته ای نظیر ایران و افغانستان، فراهم می آورد.

۴- قاعده تقلیل خسارت در حقوق قراردادهای ایران

۴-۱ فقدان نص صریح عام (خلأ تقنینی)

برخلاف نظام های کامن لا و اسناد بین المللی یادشده، بررسی حقوق ایران نشان می دهد که هیچ ماده قانونی عامی وجود ندارد که تکلیف زیان دیده

متمحمله‌ی بیمه‌گذار را برای تقلیل خسارت، بر عهده‌ی بیمه‌گر قرار داده و تصریح می‌کند که این مخارج، حتی در صورت بی‌نتیجه ماندن، قابل مطالبه از بیمه‌گر خواهد بود (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). ماهیت این تکلیف نشان می‌دهد که اقدامات بیمه‌گذار زیان‌دیده «اقدام به‌وسیله» است، نه «اقدام به نتیجه»؛ بدین معنا که صرف متعارف بودن اقدامات خواهان کفایت می‌کند و حصول نتیجه شرط تعلق خسارت نیست.

۴-۲-۴ قانون تجارت (۱۳۲۳) و (لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳)
لایحه قانون تجارت مصوب ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که این لایحه بزرگ‌ترین بازنگری حقوق تجارت ایران از زمان تصویب قانون تجارت ۱۳۱۱ به شمار می‌رود. باوجود جامعیت و نوآوری‌های قابل‌توجه در حوزه قراردادهای تجاری، تحلیل این لایحه نشان می‌دهد که قاعده تقلیل خسارت به‌صورت یک اصل عمومی و مستقل در آن پذیرفته نشده است. ماده ۳۷ لایحه اصل جبران کامل خسارت را تثبیت می‌کند. باین‌حال، تحلیل مواد پراکنده‌ای از لایحه آثاری از قاعده تقلیل خسارت را بازتاب می‌دهد: ماده ۳۸ (معامله جایگزین)، ماده ۷۱ (تکلیف صریح حق‌العمل‌کار به اقدام برای حفظ کالا)، ماده ۱۱۲ (تقصیر فرستنده/گیرنده به‌عنوان موجب معافیت متصدی حمل‌ونقل)، ماده ۱۱۶ (تکلیف گیرنده به اطلاع فوری خسارات غیرظاهری) و مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ (تکلیف متصدی حمل‌ونقل به فروش کالای فاسدشدنی). هرچند لایحه تجارت ۱۴۰۳ با الهام از حقوق مدرن، در مواد متعدد به مسائلی مهم از قاعده تقلیل خسارت اشاره کرده است، اما به قاعده عام و مستقل تقلیل خسارت تصریح ننموده است.

۴-۳. مبانی استنباطی قاعده تقلیل خسارت در حقوق ایران
در حقوق ایران، بر خلاف اسناد بین‌المللی، شرط اقدام زیان‌دیده به کاهش خسارت در مقررات مدنی و لایحه تجارت به‌صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است، اما دکترین حقوقی ایران بر پایه برخی اصول و مبانی، پذیرش و اعمال آن را در حقوق داخلی قابل‌توجیه دانسته است (مژده جام سحر و همکاران، ۱۴۰۴، ص ۵۵۰). برخی از مهم‌ترین مبانی مزبور عبارت‌اند از:

معامله خودآگاه باشد و با این علم به معامله با وی مبادرت ورزد و مالک نیز معامله فضولی را تنفیذ نکند، حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از آن معامله را نخواهد داشت؛ زیرا به زیان خویش اقدام کرده است.

به‌علاوه، ماده ۲۴۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر بعد از عقد، انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین‌العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر این که امتناع، مستند به فعل مشروطه باشد». برخی از حقوق‌دانان معتقدند که هرچند این ماده ناظر بر شرط فعل است، اما خصوصیتی در این زمینه ندارد و می‌توان از آن برای عدم مسئولیت متعهد در تمامی مواردی که عدم انجام تعهد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، استفاده نمود (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

۴-۲-۴ قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹)

رساترین نص قانونی در خصوص مقابله با خسارت، ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹ است. بر اساس این ماده، «در مواردی که زیان‌دیده به‌نحوی از انحنا در ایجاد یا توسعه خسارت مؤثر بوده باشد، دادگاه باتوجه به اوضاع و احوال، میزان خسارت قابل‌جبران را تقلیل می‌دهد». بر اساس استفاده از ملاک این ماده قانونی، می‌توان گفت که این ماده، در مورد حقوق قراردادهای، به‌خصوص زمانی که قراردادی نقض شده، نیز جاری است؛ یعنی خواهان نباید بیکار نشسته و شاهد ورود ضرر به خویش باشد و تا حدودی که خسارات قابل‌اجتناب بوده است، از خوانده نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید (داراب‌پور، ۱۳۸۷، ص ۸۴). اما آنچه مهم است اینکه از منظر ساختاری، ماده ۴ بر «تقصیر مشترک» متمرکز است، نه بر تکلیف ایجابی پس از وقوع نقض (اصغری آقمشهدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۶).

۴-۳ قانون بیمه (۱۳۱۶)

ماده ۱۵ قانون بیمه تکلیف بیمه‌گذار را چنین تبیین می‌کند: «بیمه‌گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود می‌نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن، اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به عمل آورد». این ماده نشان می‌دهد که قانون بیمه، هزینه‌های

عمومی حقوقی دادگستری بخش گندمان

تحلیل رویه قضایی ایران بر اساس دادنامه شماره ۹۹۷۳۸۳۰۳۰۰۱/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۵ دادگاه عمومی حقوقی دادگستری بخش گندمان، در خصوص استناد به قاعده تقلیل خسارت، نشان می‌دهد که دادگاه در پرونده‌ای قراردادی (دعوای نقض قرارداد نصب خط تولید) با استناد به «قاعده مقابله با خسارت»، خواسته خواهان را تقلیل داده است. تحلیل منطق دادگاه بر این استوار بوده که: (۱) هیچ‌کس حق ندارد نظاره‌گر افزایش خسارت باشد؛ (۲) خواهان به دلیل «روابط دوستانه» با خوانده در اقدام برای احقاق حق تأخیر کرده است؛ (۳) خواهان می‌توانست برای تأمین خط تولید با شرکت دیگری قرارداد ببندد (معامله جایگزین)؛ (۴) باتوجه به این که خواهان اقدامات معقول و متعارف برای کاهش خسارت به عمل نیاورده، بخشی از خسارات قابل تقلیل از جبران مستثنی شده است. استدلال دادگاه مبنی بر اینکه «هیچ‌کس حق ندارد نظاره‌گر افزایش خسارت باشد»، نشان می‌دهد که این استدلال دقیقاً با منطق قاعده تقلیل خسارت در کامن‌لا همخوانی دارد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۵۳). با آنکه این رأی نمونه‌ای موردی و پیشرو در رویه قضایی محسوب می‌شود، اما به‌تنهایی دلیلی بر وجود رویه قضایی پایدار در محاکم ایران نیست.

۴-۴-۲. رأی شعبه ۸ تجدیدنظر استان تهران (دادنامه شماره ۱۵۱۵، مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶)

از جمله آرای قضایی که در خصوص قاعده تقلیل خسارت مورد استناد قرار گرفته، رأی شعبه ۸ تجدیدنظر استان تهران (دادنامه شماره ۱۵۱۵، مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶) است. هرچند مستقیماً قاعده تقلیل خسارت را اعمال نکرده، اما با موضوع رابطه سببیت و نقش زیان‌دیده در ورود خسارت مرتبط است. در این پرونده، تصادف میان دو وسیله نقلیه باعث توقف مینی‌بوس خواهان‌ها شده و آن‌ها مطالبه خسارت ۸۲ روز توقف خودرو را کرده‌اند. دادگاه تجدیدنظر رأی بدوی را نقض کرده و خواهان‌ها را محق شناخته است: «خواسته‌ی خواهان‌ها مطالبه خسارت ۸۲ روز توقف خودرو است که کارشناس منتخب دادگاه نیز منافع ممکن الحصول یک دستگاه خودروی مینی‌بوس را روزانه... ریال برآورد کرده که با شرایط مسلم قضیه

۳-۳-۱. قاعده لاضرر: یکی از استوارترین مبانی، قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» است (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۸۰-۹۷). همان‌طور که این قاعده مانع از ایراد ضرر توسط ناقض قرارداد می‌شود، می‌توان استدلال کرد که این قاعده، زیان‌دیده را نیز از اضرار به خود یا تشدید ضرر از طریق انفعال و عدم اقدام متعارف، منع می‌کند (شاهنوش فروشانی و عبدالصالح، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷-۱۶۱). به عبارت دیگر، عدم اقدام برای کاهش خسارت، نوعی اضرار به مسئول زیان است که با روح این قاعده در تضاد قرار دارد.

۳-۳-۲. قاعده اقدام: بر اساس قاعده اقدام، هرگاه شخصی با فعل خود موجبات ورود ضرر به خویش را فراهم آورد، ضمان و مسئولیتی متوجه دیگری نخواهد بود. پس با قیاس اولویت، می‌توان این منطق را به خسارات مالی نیز تسری داد؛ جایی که زیان‌دیده باوجود امکان کاهش خسارت، از آن خودداری می‌کند و در نتیجه، نسبت به بخش قابل اجتناب خسارت، اقدام علیه خود نموده است (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

۳-۳-۳. رابطه سببیت: یکی از ارکان مسئولیت قراردادی، وجود رابطه سببیت میان نقض تعهد و خسارت وارده است. زمانی که زیان‌دیده از انجام اقدامات متعارف برای کاهش خسارت خودداری می‌کند، می‌توان گفت که حلقه سببیت میان نقض اولیه و آن بخش از خسارت که قابل پیشگیری بوده، قطع شده است. در واقع، سبب مستقیم و بی‌واسطه این بخش از خسارت، نقض قرارداد توسط متعهد نیست، بلکه اهمال و ترک فعل خود زیان‌دیده است (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

۳-۳-۴. اصل حسن‌نیت: اصل حسن‌نیت که به‌عنوان یک اصل فراگیر بر روابط قراردادی حاکم است، ایجاب می‌کند که طرفین قرارداد رفتاری منصفانه و صادقانه نسبت به یکدیگر داشته باشند. انتظار اینکه زیان‌دیده پس از نقض قرارداد، صرفاً نظاره‌گر افزایش خسارات باشد و هیچ تلاشی برای کنترل آن نکند، با الزامات حسن‌نیت و رفتار متعارف مغایرت دارد (زمانی و بذار، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

۴-۴. بررسی رویه قضایی ایران

۴-۴-۱. دادنامه شماره ۹۹۷۳۸۳۰۳۰۰۱/۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۱/۵ دادگاه

پیش‌بینی؛ (۲) تقصیر متعهده (دائن)؛ (۳) شرط عدم مسئولیت. مقایسه این ماده نشان می‌دهد که شباهت قابل توجهی با ماده ۷۴ CISG دارد که خسارت را به خسارات قابل‌پیش‌بینی محدود می‌کند، با این تفاوت که فراتر از CISG، تقصیر دائن را نیز به‌عنوان عامل رافع مسئولیت به رسمیت می‌شناسد.

۴-۵. قانون قراردادهای تجاری و فروش اموال (۱۳۹۳) - تصریح به قاعده تقلیل خسارت و مصادیق عملی آن

تحولات اجتماعی و زایش نیازهای جدید، سبب شد تا قانون‌گذار افغانستان با تصویب «قانون قراردادهای تجاری و فروش اموال» در ۱۸ فصل و ۱۴۳ ماده در ۱۳۹۳/۷/۲۸ به نیازهای جامعه تجاری پاسخ دهد. با تصویب آن، وضع تقنینی قاعده تقلیل خسارت متحول شد.

۴-۵-۱. تصریح صریح به قاعده تقلیل خسارت (ماده ۸۰)

ماده ۸۰ صریح‌ترین تصریح قانونی به قاعده تقلیل خسارت در نظام حقوقی افغانستان است:

(۱) طرفین قرارداد مکلف‌اند با حسن‌نیت عمل کنند تا میزان واقعی خسارت/زیان را به طور مؤثر کاهش دهند؛ این تلاش‌ها شامل اقداماتی برای جلوگیری از خسارت بیشتر است.

(۲) اگر یکی از طرفین نتواند اقدامات احتیاطی لازم را به عمل آورد و خسارت اضافی متحمل شود، در این صورت، آن طرف مستحق جبران خسارت اضافی نمی‌باشد. هر نوع هزینه معقولی که توسط طرف دیگر برای کاهش خسارت/زیان انجام شود، طرفی که قرارداد را نقض کرده، مکلف به جبران آن است.

بند اول این ماده نشان می‌دهد که وظیفه ایجابی بر ذی‌نفعان قرارداد تحمیل شده است: آن‌ها مکلف‌اند با حسن‌نیت برای کاهش خسارت اقدام کنند و شامل اقدامات پیشگیرانه از افزایش خسارت نیز می‌شود. بند دوم ضمانت اجرای این وظیفه را تعیین می‌کند: زیان‌دیده‌ای که نتوانسته اقدامات احتیاطی لازم را به عمل آورد، حق مطالبه خسارت اضافی را از دست می‌دهد. مقایسه این ماده از نظر ساختار و محتوا شباهت چشمگیری با ماده ۷۷ CISG، ماده ۹:۵۰۵ PECL و ماده ۷.۴.۸ اصول UNIDROIT

نیز دارای مغایرت نیست. این رأی، که از شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر شده، بیشتر به بحث رابطه سببیت و دفاع خوانده (که ادعا کرده حاضر بوده خودرو را در اندک مدتی تعمیر کند) می‌پردازد تا به قاعده تقلیل خسارت به معنای خاص آن. دادگاه دفاع خوانده را نپذیرفته و رابطه سببیت میان تصادف و خسارت توقف را احراز کرده است (جام سحر، ۱۴۰۴، ص ۷۲)

۵- بررسی قاعده تقلیل خسارت در حقوق قراردادهای افغانستان

۵-۱ مبانی عمومی در قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵)

قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵) که بر اساس فقه حنفی تدوین شده، در ماده ۷ اصل مهم «درء المفسد اولی من جلب المنافع» را تصریح کرده است که عین ماده ۳۰ مجله الاحکام العدلیه است. ماده ۶ نیز اصل حسن‌نیت را در اجرای قراردادها مقرر می‌دارد: «تعهدات قراردادی باید به نیت حسنه اجرا شوند». ماده ۸ مقرر می‌دارد که قراردادها برای طرفین قاطعیت دارند و نمی‌توانند مفسوخ شوند. این مواد چارچوب کلی قانون مدنی افغانستان را در خصوص روابط قراردادی ترسیم می‌کنند.

۵-۲ نزدیک‌ترین مبانی قانون مدنی به قاعده تقلیل خسارت

ماده ۷۸۲ قانون مدنی افغانستان در خصوص تقصیر مشترک چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص متضرر به واسطه تقصیر خود در ایجاد یا تزاید ضرر، دخالت داشته باشد، محکمه می‌تواند مقدار جبران خسارت را تقلیل داده یا اصلاً به آن حکم ننماید». این ماده نزدیک‌ترین مبانی قانون مدنی افغانستان به قاعده تقلیل خسارت است. در متن خود، ماده ۷۸۲ ناظر به تقصیر زیان‌دیده در ایجاد یا افزایش ضرر است و به محکمه اختیار می‌دهد که میزان خسارت را کاهش داده یا رد کند (پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، ۲۰۱۲، ص ۲۳۳). این ماده بدین ترتیب وظیفه‌ای برای تقلیل یا محدود کردن خسارات ایجاد می‌کند.

۵-۳ بررسی قانون تجارت افغانستان (۱۳۳۴)

ماده ۵۹۱ قانون تجارت افغانستان جبران خسارت و عدم‌النفع را در تعهدات تجاری الزامی می‌داند، اما آن را مشروط به اخطار قبلی می‌کند. ماده ۵۹۴ سه عامل رافع مسئولیت را شناسایی می‌کند: (۱) قابلیت

CISG این است که ماده ۱۲۳ قانون افغانستان صراحتاً به «حسن نیت» و «عدم تأخیر غیرممتعارف» به عنوان شروط اعمال اشاره می کند، در حالی که ماده ۷۵ CISG به «روش معقول» و «زمان معقول» بسنده می کند. جمع بندی این بخش نشان می دهد که قانون گذار افغانستان در قانون قراردادهای تجاری و فروش اموال (۱۳۹۳) ضمن پذیرش اصل کلی تقلیل خسارت در ماده ۸۰، با ترسیم مصادیق عملی در مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳، نظامی منسجم و کاربردی برای اعمال این قاعده ایجاد کرده است. باین حال، بررسی محدودیت قلمرو نشان می دهد که قانون قراردادهای تجاری ناظر بر قراردادهای تجاری است و قلمرو کاربرد آن محدود به روابط تجاری است. در نتیجه، در دعوی غیرتجاری (مدنی)، ماده ۸۰ قابل استناد مستقیم نیست و دادگاه ها باید به ماده ۷۸۲ قانون مدنی متوسل شوند.

۶- فقه حنفی و قاعده تقلیل خسارت

قانون مدنی افغانستان بر اساس فقه حنفی تدوین شده است. ماده ۱۳۰ قانون اساسی افغانستان در فقدان حکم قانونی، محاکم را به پیروی از احکام فقه حنفی هدایت نموده است. بند ۲ ماده ۱ قانون مدنی افغانستان نیز در عدم موجودیت حکم قانونی، محکمه را مکلف به صدور حکم برابر اصول کلی فقه حنفی نموده است. به تاسی از آن، سمینار رؤسای محاکم سال ۱۳۵۰ به هدف انسجام مسائل مفتی به شرح اتاسی بر مجله الاحکام را به عنوان مأخذ استناد آراء محاکم برگزید (ژوبل، ۱۳۸۴، ص ۸). در واقع مجله الاحکام العدلیه که چهره مدون فقه حنفی در قالب قانون مدنی توسط دولت عثمانی (۱۸۶۹-۱۸۷۶ م.) تدوین شد، مهم ترین منبع شناخت ساختار سیستماتیک فقه حنفی به شمار می رود.

۶-۱ قاعده «الضرر الأشد يُزال بالضرر الأخف» (ماده ۲۷ مجله)

ماده ۲۷ مجله الاحکام العدلیه مقرر می دارد: «الضرر الأشد يُزال بالضرر الأخف» (زیان بزرگ تر به وسیله زیان کوچک تر دفع می شود). بررسی عمیق این قاعده نشان می دهد که از نظر منطقی و کاربردی، نزدیک ترین قاعده فقهی به منطق تقلیل خسارت در فقه حنفی است.

این قاعده حالت ویژه ای ترسیم می کند که در آن طرف معامله با دو زیان

دارد.

۴-۲ مصادیق عملی قاعده تقلیل خسارت (مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳)
بررسی قانون قراردادهای تجاری و فروش اموال افغانستان نشان می دهد که علاوه بر ماده ۸۰ که قاعده تقلیل خسارت را به صورت عام مقرر می دارد، مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ مصادیق عملی و کاربردی این قاعده را در قالب معامله جایگزین و اختیارات متقابل فروشنده و خریدار ترسیم نموده اند.

ماده ۱۱۷ (اختیارات فروشنده در تقلیل خسارت): مقرر می دارد که هرگاه خریدار به ناحق کالا را رد کند و در موعد مقرر ثمن آن را پرداخت ننماید، فروشنده می تواند به یکی از طرق ذیل اقدام نماید: (۱) از تحویل کالا امتناع ورزد؛ (۲) وسیله حمل و نقل را برای تحویل کالا متوقف نماید؛ (۳) کالا را مجدداً بفروشد و خسارت را مطابق مفاد ماده ۱۱۸ مطالبه نماید؛ (۴) خسارات ناشی از عدم قبول را مطابق مفاد ماده ۱۱۹ مطالبه نماید؛ (۵) معامله را فسخ نماید. به ویژه، بند ۳ (فروش مجدد کالا) و بند ۵ (فسخ معامله) مصداق روشن اقدامات متعارف برای جلوگیری از افزایش خسارت هستند.

ماده ۱۱۸ (معامله جایگزین توسط فروشنده): مقرر می دارد که فروشنده می تواند کالای مربوطه را مجدداً بفروشد. هرگاه باز فروش با حسن نیت یا مطابق روش تجاری معقول انجام شود، فروشنده می تواند خسارات ناشی از تفاوت میان قیمت باز فروش و قیمت مندرج در قرارداد را به همراه خسارات بعدی مطالبه نماید. بررسی شروط اعمال این ماده نشان می دهد که معامله جایگزین باید با «حسن نیت» و «روش تجاری معقول» انجام شود؛ همان معیارهایی که در ماده ۸۰ به عنوان مبنای تکلیف تقلیل خسارت پذیرفته شده اند.

ماده ۱۲۳ (معامله جایگزین توسط خریدار): مقرر می دارد که هرگاه فروشنده تعهد خود را نقض کند، خریدار می تواند با حسن نیت و بدون تأخیر غیرممتعارف، کالای جایگزین خریداری نماید. خریدار می تواند تفاوت مالی میان خرید کالای جایگزین و قیمت مندرج در قرارداد را به همراه خسارات بعدی مطالبه نماید. بررسی تفاوت کلیدی این ماده با ماده ۷۵

۳۰ مجله می‌رساند که دفع مفسده (تقلیل خسارت) بر جلب منفعت (مطالبه کامل خسارت) مقدم است. نکته‌ی مهم تطبیقی اینکه ماده ۳۰ مجله الاحکام العدلیه عین ماده ۷ قانون مدنی افغانستان است که مقرر می‌دارد: «دفع مفسد بر جلب منافع مقدم است». این تطابق بیانگر آن است که قانون‌گذار افغانستان این قاعده فقهی را به‌صورت مستقیم در قانون مدنی خود بازآفرینی کرده و آن را به یکی از اصول کلی حاکم بر روابط حقوقی تبدیل نموده است.

۳-۶ محدودیت‌های فقه حنفی در استنباط قاعده تقلیل خسارت باوجود ظرفیت‌های مورد بررسی، باید تأکید کرد که فقه حنفی به‌تنهایی قاعده تقلیل خسارت را تولید نمی‌کند. دلایل این محدودیت به‌قرار زیر است:

الف) فقدان مفهوم «وظیفه ایجابی پس از وقوع ضرر»: فقه حنفی بیشتر بر دفع ضرر قبل از وقوع یا جبران آن پس از وقوع تمرکز دارد و کمتر به وظیفه ایجابی زیان‌دیده برای جلوگیری از افزایش خسارت پس از وقوع نقض قرارداد می‌پردازد. ماده ۲۷ مجله نشان می‌دهد که اگرچه این قاعده منطبق تقلیل خسارت را در خود دارد، اما به‌صورت صریح تکلیف زیان‌دیده را پس از وقوع ضرر مقرر نمی‌کند.

ب) فقدان معیار «اقدام متعارف و معقول»: قاعده تقلیل خسارت در حقوق مدرن بر معیار «اقدام متعارف و معقول» (reasonable and ordinary measures) استوار است. این معیار که از حقوق کامن‌لا سرچشمه می‌گیرد، در فقه حنفی به‌صورت فنی و مستقل توسعه‌نیافته است.

ج) اولویت اجرای عین تعهد: در فقه حنفی، مانند فقه امامیه، اجرای عین تعهد به‌عنوان اصل در نظر گرفته شده و در صورت نقض تعهد، متعهدله جز در موارد خاص بدو بایستی تعهد را مطالبه کند. این رویکرد قلمرو قاعده تقلیل خسارت را در مقایسه با نظام کامن‌لا محدودتر می‌کند.

۴-۶. بررسی قاعده تقلیل خسارت در بستر عدم جبران‌پذیری منافع در فقه حنفی

یکی از چالش‌های بنیادین در بررسی جایگاه قاعده تقلیل خسارت در فقه

روبه‌رو می‌شود: زیان بزرگ‌تر و زیان کوچک‌تر. در این حالت، شرع ایجاب می‌کند که زیان بزرگ‌تر با پذیرش زیان کوچک‌تر دفع شود. این قاعده در عمل ایجاب می‌کند که شخص نتواند با امتناع از پذیرش زیان کوچک‌تر، به زیان بزرگ‌تر تن دهد و سپس مطالبه جبران تمامی زیان بزرگ‌تر را بنماید.

بررسی ارتباط این قاعده با تقلیل خسارت به این نتیجه منجر می‌شود که: زیان‌دیده‌ای که با نقض قرارداد روبه‌رو می‌شود، اغلب با دو گزینه مواجه است: الف) پذیرش یک زیان کوچک‌تر از طریق انجام اقدامات متعارف (مانند انعقاد معامله جایگزین باقیمت بالاتر، یا فروش مجدد کالا باقیمت پایین‌تر)؛ ب) تحمل زیان بزرگ‌تر از طریق عدم اقدام. ماده ۲۷ مجله نشان می‌دهد که فقه حنفی زیان‌دیده را مکلف می‌سازد زیان کوچک‌تر را بپذیرد و نمی‌تواند زیان بزرگ‌تر را به ناقض تحمیل کند. این تحلیل دقیقاً با منطق ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجارتی افغانستان و ماده ۷۷ CISG هم‌سو است.

اما جنبه تمایز و تفاوت ماده ۲۷ مجله باقاعده تقلیل خسارت، آن است که این قاعده به‌تنهایی معیار «اقدام متعارف و معقول» را که از ارکان بنیادین قاعده تقلیل خسارت در حقوق مدرن است، به‌گونه‌ای فنی و مستقل توسعه نداده است. به بیان دیگر، ماده ۲۷ مجله چارچوب منطقی تقلیل خسارت را فراهم می‌آورد، اما نیازمند توسل به مفاهیم حقوقی مدرن است تا به قاعده‌ای قابل اجرا تبدیل شود.

۲-۶ قاعده «درء المفسد اولی من جلب المنافع» (ماده ۳۰ مجله) علاوه بر قاعده ۲۷، ماده ۳۰ مجله الاحکام، یعنی «دَرءُ الْمَفْسَدِ أَوْلَى مِنْ جَلْبِ الْمَنَافِعِ» (ژوبل، ۱۳۸۴، ص ۲۵)، بر تقدم دفع مفسد و ضررها بر جلب منافع تأکید دارد. مهم‌ترین اثر قاعده آن است که وقتی میان دفع مفسده و جلب منفعت تعارض وجود دارد، دفع مفسده مقدم است. کاربرد این قاعده در زمینه تقلیل خسارت بدین صورت است: زیان‌دیده‌ای که با نقض قرارداد روبه‌رو می‌شود، ممکن است میان دو گزینه قرار گیرد: الف) جلب منفعت از طریق مطالبه کامل خسارت (از جمله خسارات قابل پیشگیری)؛ ب) دفع مفسده از طریق اقدام برای تقلیل خسارت. ماده

که افغانستان در حوزه تجاری با ماده ۸۰ و مصادیق عملی آن (مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳) این خلأ را پر کرده، اما ایران حتی در جدیدترین لایحه تجاری خود نیز این گام را برنداشته است.

۲-۷ دلایل احتمالی عدم پذیرش قاعده عام در حقوق ایران
عدم پذیرش قاعده تقلیل خسارت در حقوق ایران می تواند ناشی از چند عامل باشد:

سنت حقوقی: حقوق ایران، مانند حقوق فرانسه، بیشتر بر اصل جبران کامل خسارت تأکید دارد و رویکردی محافظه کارانه در برابر قواعدی دارد که زیان دیده را مکلف به اقدام می کنند.

اولویت اجرای عین تعهد: در حقوق ایران، اجرای عین تعهد به عنوان اصل در نظر گرفته شده و در صورت نقض تعهد، متعهدله جز در موارد خاص بدو بایستی تعهد را مطالبه کند. این رویکرد قلمرو قاعده تقلیل خسارت را در مقایسه با نظام کامن لا محدودتر می کند (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

پیچیدگی های تقنینی: تدوین قاعده عمومی تقلیل خسارت، نیازمند تعیین و تشخیص دقیق معیارهای «اقدام متعارف»، «امکان پیشگیری» و «نسبت تقلیل» است که می تواند در مرحله تقنینی چالش آفرین باشد.
وجود مقررات پراکنده: وجود مقررات موردی در قوانین موجود، نظیر ماده ۱۵ قانون بیمه و ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، ممکن است قانون گذار را از پذیرش قاعده عمومی بی نیاز ساخته باشد.

۳-۷ پیامدهای فقدان قاعده عمومی تقلیل خسارت در حقوق ایران
فقدان قاعده عام در حقوق ایران پیامدهای عملی دارد: نخست، قضات در نبود نص صریح به مفهوم «تقصیر مشترک» متوسل می شوند که با منطق قاعده تقلیل خسارت تفاوت ساختاری دارد. دوم، زیان دیده در فقدان این قاعده، از انگیزه قانونی برای اقدامات پیشگیرانه محروم می ماند. سوم، در قراردادهای تجاری بین المللی که مشمول CISG هستند، حقوق ایران با استانداردهای بین المللی هم سو نیست.

۸ - نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با تمرکز بر بررسی و تحلیل جایگاه قاعده تقلیل خسارت

حنفی، مسئله ماهیت حقوقی منافع و قابلیت جبران آنهاست. فقه حنفی در ساختار کلاسیک خود، منافع (usufructs) را مال (property) نمی داند و از این پیش فرض، نتایج حقوقی مهمی در حوزه جبران خسارت استنباط می کند. فقهای حنفی، به طور سنتی، بر مبنای قاعده «الخراج با الضمان» و «الغرم بالغنم»، منفعت را مال محسوب نکرده و در نتیجه، تلف آن را موجب ضمان نمی دانند. از این رو، قانون مدنی افغانستان (۱۳۵۵) با وجود مبتنی بودن بر فقه حنفی، در این نقطه از فقه حنفی کلاسیک فاصله گرفته است. مواد ۷۳۴، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۷۶ و ۸۰۷ قانون مدنی افغانستان جبران خسارت عدم النفع و منافع ازدست رفته را به صورت صریح پذیرفته اند (ابراهیمی، ۱۳۹۸، ص ۱۲-۲۵). ماده ۸۰۷ مقرر می دارد: «هرگاه شخص مال شخص دیگری را بدون اجازه استعمال نماید، به تأدیه منافع آن مکلف می گردد.» در حقوق ایران نیز، رویه قضایی در مواردی جبران عدم النفع را پذیرفته است (شعاریان و مولایی، ۱۳۹۲، ص ۵۰). در نتیجه، در هر دو نظام حقوقی، با پذیرش جبران پذیری عدم النفع، قاعده تقلیل خسارت بر این نوع زیان ها نیز قابل اعمال است.

۷- مقایسه جایگاه قاعده تقلیل خسارت در حقوق ایران و افغانستان

۱-۷ تمایز کلیدی

مقایسه تطبیقی نشان می دهد که تفاوت کلیدی میان دو نظام حقوقی در این است که افغانستان از طریق ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجارتی و فروش اموال (۱۳۹۳)، وظیفه تقلیل خسارت را در حوزه تجاری به صورت صریح و الزامی تصریح کرده و با مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ مصادیق عملی آن را ترسیم نموده است؛ در حالی که در حقوق ایران، حتی در لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ نیز قاعده تقلیل خسارت به صورت عام و مستقل تصریح نشده و آثار آن صرفاً از طریق مواد پراکنده قابل استنباط است.

تحلیل و بررسی شباهت ساختاری میان ماده ۷۸۲ قانون مدنی افغانستان و ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی ایران نشان می دهد که هر دو ماده به قاضی اختیار (نه الزام) می دهند تا در صورت تقصیر زیان دیده، خسارت را تقلیل دهند یا رد کنند. اما در عمل هیچ کدام صراحتاً وظیفه ایجابی برای تقلیل خسارت را بر عهده زیان دیده قرار نمی دهند. جان تمایز در این است

مالیت منافع در فقه حنفی کلاسیک، تقلیل خسارت عدم‌النفع را چالش‌برانگیز می‌سازد و قانون‌گذار افغانستان با پذیرش جبران‌پذیری منافع، این محدودیت را برطرف کرده است.

نوآوری پژوهش در تبیین این نکته است که قاعده تقلیل خسارت در ایران استنباطی-قضایی و در افغانستان منصوص است و این تمایز، ریشه در تفاوت مسیر تقنینی و تأثیرپذیری از نظام‌های حقوقی متفاوت (حقوق نوشته فرانسه در ایران و اسناد بین‌المللی در افغانستان) دارد. قانون‌گذار افغانستان با تلفیق فقه حنفی و اسناد بین‌المللی، الگویی ترکیبی ارائه داده که می‌تواند برای اصلاح قانونی ایران مفید باشد.

عدم دسترسی به آرای قضایی در افغانستان، در خصوص اعمال ماده ۸۰ و عدم دسترسی به آراء کافی در حقوق ایران از محدودیت‌های این پژوهش است.

در نهایت پیشنهاد می‌گردد، قانون‌گذار ایران، ماده‌ای مستقل را در خصوص قاعده تقلیل خسارت، با الهام از ماده ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و ماده ۸۰ قراردادهای تجاری افغانستان، در لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ تقنین نماید. به قانون‌گذار افغانستان نیز پیشنهاد می‌شود بر پایه ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجاری، در جهت توسعه رویه قضایی و آموزش قضات برای تفسیر یکسان از «اقدامات متعارف» و «حسن‌نیت» گام‌های ضروری را بردارد. افزون بر این به تصریح به بار اثبات (بر عهده مدیون) در قوانین اصول محاکمات تجاری نیز توصیه می‌شود. همچنان در همسوی با مبانی فقهی، قلمرو قاعده تقلیل خسارت از قراردادهای تجاری به قراردادهای مدنی نیز تعمیم یابد.

در حقوق ایران و افغانستان با نگاهی به فقه حنفی و اسناد بین‌الملل، به یافته‌های ذیل دست یافته است:

در حقوق ایران، قاعده تقلیل خسارت به صورت یک اصل عمومی و مستقل تقنین نشده است و آثار آن از مسیر مواد پراکنده‌ای در قانون مدنی (مواد ۲۴۰، ۲۶۳، قانون مسئولیت مدنی (ماده ۴)، قانون بیمه (ماده ۱۵)، قانون تجارت و لایحه قانون تجارت ۱۴۰۳ قابل استنباط است. مبانی استنباطی شامل قاعده لاضرر، قاعده اقدام، رابطه سببیت و اصل حسن‌نیت است. تمرکز بر سنت حقوقی، تأکید بر اولویت اجرای عین تعهد و وجود مقررات پراکنده، مسبب عدم همراهی با این تحول حقوقی شده است. آرای قضایی پیشروی نسبت به کاربرست قاعده تقلیل خسارت مورد توجه است، ولی از مرحله ثبات رویه قضایی در این خصوص فاصله دارد.

در حقوق افغانستان، قانون مدنی (۱۳۵۵) به صورت عام این قاعده را تصریح نکرده، اما ماده ۸۰ قانون قراردادهای تجاری و فروش اموال (۱۳۹۳) آن را به صورت صریح و الزامی پذیرفته و مواد ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۳ همین قانون مصادیق عملی (معامله جایگزین) آن را ترسیم نموده‌اند. ماده ۷۸۲ (تقصیر مشترک) و ماده ۷۳۸ (تأخیر متعهدله) نیز در قانون مدنی افغانستان نزدیک‌ترین مبانی به این قاعده هستند. قانون‌گذار افغانستان از الگوی ترکیبی (تصریح به قاعده عام و رویکرد عمل‌گرایانه در قانون قراردادهای تجاری و الگوی پذیرش ضمنی در قانون مدنی) در پذیرش این قاعده بهره گرفته است.

فقه حنفی، به‌ویژه مواد ۲۷ و ۳۰ مجله الاحکام العدلیه، ظرفیت مشروعیت‌بخشی به قاعده تقلیل خسارت را فراهم می‌آورد. با این حال، عدم

منابع

- تقلیل خسارت. فقه و حقوق اسلامی (دانشگاه تبریز)، ۲ (۲)، ۱۳۱-۱۵۵.
- شعاریان، ابراهیم، و مولایی، یوسف. (۱۳۹۲). شرایط و موانع اعمال قاعدهی تقلیل خسارت. پژوهش حقوق خصوصی، (۳)، ۳۵-۶۴.
- قاسمی، عبدالرحمن خلیل. (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی قراردادی در حقوق افغانستان. پژوهش‌های حقوقی دانشگاه کاتب.
- محقق داماد، سید مصطفی، و جعفری خسروآبادی، نصرالله. (۱۳۸۹). بررسی قاعده مقابله با خسارت بر اساس فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۳ (۲)، ۳۰۱-۴۱۱.
- محمدی، امید. (۱۳۹۷). ضمانت اجراهای نقض قرارداد. چاپ اول، تهران: جاودانه، جنگل.
- مژده جام سحر، دلشاد معارف، ابراهیم، و میرداداشی‌کاری، مهدی. (۱۴۰۴). ضرورت تقلیل خسارت و مبانی تکلیف زیان‌دیده به انجام آن؛ تأملی بر رویکرد حقوق ایران و امکان‌سنجی اعمال آن در مسئولیت مدنی دولت. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۷ (۲۴)، ۵۴۲-۵۶۶.
- جام سحر، مژده، دلشاد معارف، ابراهیم، و میرداداشی‌کاری، سیدمهدی. (۱۴۰۴). شرایط و علل تعهد به کاهش خسارت و اثر کاهلی در آن در حقوق ایران و آلمان، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۹ (۱)، ۶۲-۸۳.
- ضرورت تقلیل خسارت و مبانی تکلیف زیان‌دیده به انجام آن؛ تأملی بر رویکرد حقوق ایران و امکان‌سنجی اعمال آن در مسئولیت مدنی دولت. پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۷ (۲۴)، ۵۴۲-۵۶۶.
- میرحیدر، میرنقی‌زاده، علی، و چراغی. (۱۳۹۷). بررسی مبانی و مستندات فقهی و حقوقی قاعده تقلیل خسارت. قانون یار، ۲ (۶)، ۸۰-۹۷.
- زمانی، سید قاسم، و بذار، وحید. (۱۳۹۷). تعهد زیان‌دیده به کاهش خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. مجله حقوق خصوصی، ۱۵، ۲، ۲۸۳-۲۹۹.

ب - منابع لاتین

- Al-Kaabi, M. H. (۲۰۲۳). Is there a duty to mitigate damages in civil law? Should we introduce such a duty? The case of Qatar. Global Jurist of Comparative Law, ۱۲(۲)، ۲۱۷-۲۱۹۷.
- https://brill.com/view/journals/gjcl/۱۲/۲/article-xml.۰۰۴_p۱۹۷
- Commission on European Contract Law. (۲۰۰۲).

منابع فارسی و عربی

الف) کتب فارسی و عربی

- اونا او، راج، نارایان، ماکس، ریتنگ، اسکات، شایه‌فر، آنی اسفنز، و شوگرمن، والی. (۲۰۱۱). پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، آشنایی با حقوق تجارت افغانستان (چاپ دوم). کالیفرنیا: دانشکده حقوق دانشگاه استنفورد.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (۲۰۱۲). (ALEP). مبادی حقوق و جاب افغانستان (چاپ دوم). کالیفرنیا: دانشکده حقوق دانشگاه استنفورد.
- ژوبل، محمد عثمان. (۱۳۸۴). مجموعه قواعد و مسائل فقهی مجله الأحكام العدلیه (ج ۱، ج ۲). کابل.
- سرخسی، شمس‌الدین. (۱۴۰۶). المبسوط (ج ۱۱). بیروت: دار المعرفه.
- داراب-پور، مهرباب، (۱۳۷۷)، قاعده مقابله با خسارت، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.

۲- مقالات در نشریات علمی

- اصغری-آق‌مشهدی، فخرالدین، جلیل-پور، پری-ناز، (۱۳۹۰)، "عدم اجرای تعهد مستند به عمل متعهدله و اثر آن بر مسئولیت قراردادی متعهد"، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۱، زمستان ۱۳۹۰، صص ۲۰۹-۱۸۹.
- ابراهیمی، عزیز. (۱۳۹۸). عدم النفع و فرصت ازدست‌رفته؛ قابلیت مطالبه و تعیین میزان خسارت در حقوق افغانستان و ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۳)، ۱۲-۲۵.
- حکیمیان، علی‌محمد، معین، محمود، حسینی یزدی، سید شهاب، و پناهی، نرگس. (۱۴۰۲). تکلیف زیان‌دیده به کاهش خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی. فصلنامه دین و قانون، (۲۷).

- رضایی، ابراهیم. (۱۴۰۱). معامله جایگزین در قوانین افغانستان، ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا. مجله حقوق بین‌المللی دانشگاه کاتب. سال اول شماره (۲).

- شاهنوش فروشانی، محمدعلی (عبدالصالح)، و عبدالصالح، محمد. (۱۳۹۵). تکلیف زیان‌دیده به کاهش خسارت ناشی از نقض قرارداد و تأثیر آن در میزان مسئولیت ناقض قرارداد. مجله حقوقی دادگستری، ۸۰ (۹۳)، ۱۳۷-۱۶۱.
- شعاریان، ابراهیم، و مولایی، یوسف. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی مبانی قاعده

Zeller, Bruno. (۲۰۰۹). Comparison between Article ۷۷ – CISG and Article ۹:۵۰۵ PECL. Cambridge Law Review, ۱۲(۳)

ج - منابع تقنینی (ایران و افغانستان)

- قانون بیمه ایران (ماده ۱۵)، (۱۳۱۶).

- قانون تجارت ایران (ماده ۳۸۶)، (۱۳۲۳).

- قانون دریایی ایران (ماده ۱۱۴)، (۱۳۴۳).

- قانون مدنی ایران (مواد ۲۴۰، ۲۶۳، ۳۹۱)، (۱۳۰۷).

- قانون مسئولیت مدنی ایران (ماده ۴)، (۱۳۳۹).

- لایحه قانون تجارت ایران، مصوب کمیسیون قضایی مجلس، (۱۴۰۳).

- قانون مدنی افغانستان (مواد ۶، ۷، ۸، ۷۳۴، ۷۵۸، ۷۶۹، ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۰۷)، (۱۳۵۵).

- قانون تجارت افغانستان (مواد ۵۹۱، ۵۹۴)، (۱۳۳۴).

- قانون قراردادهای تجارتي و فروش اموال افغانستان (مواد ۸۰، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶)، (۱۳۹۳) جریده رسمی وزارت عدلیه، شماره مسلسل (۹۴۹).

د - سایت های اینترنتی

- سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران (www.qavanin.ir). آخرین مراجعه: ۱۴۰۳/۵/۱.

- دانشکده حقوق دانشگاه استنفورد (www.law.stanford.edu). آخرین مراجعه: ۱۴۰۳/۵/۱.

- کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (www.uncitral.un.org). آخرین مراجعه: ۱۴۰۳/۵/۱.

- مؤسسه بین المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی (www.unidroit.org). آخرین مراجعه: ۱۴۰۳/۵/۱.

- وزارت تجارت و صنایع افغانستان (www.moci.gov.af). آخرین مراجعه: ۱۴۰۳/۵/۱.

Principles of European contract law: Parts I and II (Article Reduction of loss). Trans-Lex ۹:۵۰۵

<https://www.trans-lex.org/۴۰۰۲۰۰>

/Cour de cassation, ۲e civ. (۲۰۰۳a, June ۱۹). Dibaoui c – Flamand et autres, n° ۰۱-۱۳۲۸۹, Bull. civ. II, n° ۲۰۱. Légifrance

<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT۰۰۰۰۷۰۴۷۸۰۱>

Cour de cassation, ۲e civ. (۲۰۰۳b, June ۱۹). Consorts – °Lallemand c/ Decrept et autre, n° ۰۰-۲۲.۳۰۲, Bull. civ. II, n° ۲۰۳. Légifrance

<https://www.legifrance.gouv.fr/juri/id/JURITEXT۰۰۰۰۷۰۴۷۹۲۳>

Kramer, Adam. (۲۰۲۵). The Law of Contract Damages (۴th ed.). London: Hart Publishing

UNCITRAL. (۱۹۸۰). United Nations Convention on – Contracts for the International Sale of Goods (CISG). United Nations Commission on International Trade Law <https://uncitral.un.org/en/texts/salegoods/conventions/saleofgoods/cisg>

UNCITRAL. (۲۰۲۲). Digest of Case Law on the United – Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods – ۲۰۲۲ Edition. Vienna: United Nations

UNIDROIT. (۲۰۱۶). UNIDROIT Principles of International – Commercial Contracts (۴th ed.). Rome: UNIDROIT <https://www.unidroit.org/instruments/commercial-contracts/upicc>